

ضرورت دقت در سیاست‌های نفتی

منوچهر حقیقی

مدیر گروه نفت دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران

افتاده به نظر می‌رسد در واقع از فروش نفت با قیمتی ارزان‌تر از قیمت واقعی به اروپا به‌عنوان وسیله‌ای برای جلب نظر اروپایی‌ها استفاده شده است. در صورتی که این مساله واقعیت داشته باشد در کمال تأسف مشاهده می‌کنیم نه تنها اتخاذ این سیاست تاثیر مثبتی در روش برخورد اروپایی‌ها در مناقشات هسته‌ای با ایران بر جای نگذاشته بلکه موجب زیان‌هایی در فروش نفت ایران نیز شده است.

امروزه نفت نه فقط یک کالای تجاری و اقتصادی بلکه کالایی سیاسی نیز محسوب می‌شود و به همین دلیل سیاستگذاران کشورهای صادرکننده نفت سعی کرده‌اند از قابلیت‌های تاثیرگذار این کالا بیش‌ترین استفاده ممکن را در تعاملات سیاسی ببرند.

با توجه به این اصل، مسوولین سیاستگذاری کشور باید نهایت دقت را در اتخاذ سیاست‌های مربوط به فروش نفت به عمل آورند و از هدر دادن ثروت‌های ملی جلوگیری کنند.

بنابر اطلاعاتی که تاکنون در خصوص فروش نفت ایران ارایه شده، مهم‌ترین بازار نفت ایران، آسیای جنوب شرقی و به ویژه ژاپن است. اگر مدعای بانک مرکزی ایران مبنی بر جایگزین شدن بازار اروپا به جای کشورهای آسیایی را با قیمت فروش دو تا شش دلار در هر بشکه، کم‌تر از قیمت واقعی به کشورهای اروپایی آن هم به دلیل بالا بردن توان رقابتی و گسترده کردن بازار فروش نفت بپذیریم، باید به این واقعیت، اذعان کنیم که برای اهداف تعیین شده، غیرمنطقی‌ترین روش را انتخاب کرده‌ایم. هرچند ایجاد تنوع بازار که منجر به امنیت بازار فروش می‌شود سیاست درستی است که در امر بازاریابی همواره باید مورد توجه قرار گیرد اما قبول زیان‌های قابل توجه به بهانه‌ی ایجاد بازارهای جدید با منطق علمی در دنیای تجارت منطبق نیست.

با توجه مناقشات هسته‌ای ایران با سه کشور مطرح اروپایی در چند سال اخیر و براساس اطلاعات ارایه شده از سوی بانک مرکزی و با توجه به مطابقت زمانی رشد فروش نفت ایران به اروپا که در طول همین سال‌های مناقشه هسته‌ای اتفاق

حجت‌الله غنیمی‌فرد، قائم‌مقام معاون شرکت ملی نفت ایران

واسطه‌ها در بازاریابی نفت ایران نقشی ندارند

مرتضی هادوی

خبرنگار



که بتوانند نفت خام ایران را پالایش کنند قرارداد داشته باشند. دلیلش هم این بود که نفت خام به دست افرادی نیفتد که بدون داشتن مشتری مورد نظر در روی آن‌ها سرگردان بماند و قیمت نفت ایران را در حدی پایین به دیگران بفروشند و برای شرکت ملی نفت ایران که فروشنده اصلی نفت است و بیش از ۲ میلیون بشکه نفت خام را صادر می‌کند، با مشکل مواجه نشود.

چنان که شرکتی شرایط مورد نظر را داشته باشد آن را به عنوان متقاضی ثبت نام شده در لیست مجموعه شرکت‌های مورد قبول تلقی می‌کنیم و برای رابطه با این شرکت سوابقی از آن می‌خواهیم. از جمله سوابق چند سال گذشته‌اش در عملیات نفتی و سابقه. در ضمن باید ۳ بانک معتبر جهانی نیز آن شرکت را تایید بکنند. طرف‌های اصلی قراردادی که در آن رشته معتبر هستند هم اعلام بکنند شرکت مذکور چه وضعیتی داشته است. شرکت باید وضعیت مالی خودش طی سه سال گذشته را اعلام بکند و آن اظهار، معتبر باشد به این معنی که یک حسابرسی بین‌المللی در مکانی که آن شرکت ثبت شده آن را تایید کند. سپس اعلام می‌شود این شرکت اعتبارات مالی دارد یا نه و همچنین مشکلات حسابرسی در مدیران آن شرکت‌ها و سود و زیان آن‌ها باید مشخص شود. باید طرف‌های اصلی یعنی صاحبان اصلی این شرکت‌ها

قیمت‌گذاری و فروش نفت را به جرات می‌توان از پیچیده‌ترین عملیات اقتصادی دنیا دانست. پیش از دهه ۷۰ میلادی، زمانی که هفت خواهران نفتی بازار نفت دنیا را در اختیار داشتند، قیمت‌گذاری و حتی نحوه فروش نفت از سوی آن‌ها صورت می‌گرفت. پس از قدرت گرفتن اوپک، قیمت‌گذاری نفت از دست شرکت‌های پر قدرت نفتی خارج شد و کشورهای تولیدکننده نفت آن را به دست گرفتند. اوپک فقط چند سال توانست در زمینه قیمت‌گذاری قدرت‌نمایی کند و پس از مدتی این قدرت از دست این سازمان خارج شد و این بار در اختیار بازار قرار گرفت. در همین باره یعنی قیمت‌گذاری و فروش نفت ایران، با دکتر حجت‌الله غنیمی‌فرد قائم‌مقام معاون شرکت ملی نفت ایران در امور بین‌الملل گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد.

به عنوان یک مقام مسئول بفرمایید الان فروش نفت ایران در چه مرحله و مقطعی است؟ آیا توانسته ایم به سطح درآمد مورد نیازمان برسیم؟

فروش نفت ایران بر اساس مصوباتی که از مرجع تصمیم‌گیرنده، هیات مدیره شرکت ملی نفت، صادر شده بر مبنای شرایط معین در آن مصوبه به متقاضیان فروخته می‌شود. متقاضیان خرید نفت این طور تقسیم‌بندی شده‌اند که یا باید پالایشگر باشند و یا با پالایشگاه‌هایی





هیات مدیره داده می‌شود و هیات مدیره شرکت ملی نفت بعد از اینکه گزارش مبنی بر تایید مدارک را قبول کرد، اجازه می‌دهد نام آن شرکت به لیست خریداران اضافه شود. لذا از نقطه نظر کاری ثبت‌نام و این که این موارد نهایتاً به صورت کتبی به هیات مدیره اعلام بشود حدوداً از سال ۷۹ است که دارد انجام می‌شود ولی این ضوابط قبلاً هم به صورت کامل اجرا می‌شد ولی اجازه هیات مدیره را لازم نداشت. اگر چه این را هم باید در نظر داشته باشیم که موقعیت شرکت‌های نفتی تغییر کرده تعداد شرکت‌های واسطه نفتی طی این دوران کمتر شده به خصوص از اواسط دهه ۱۹۹۰ نه تنها شرکت‌های تجاری نفتی کمتر شدند بلکه برخی از شرکت‌های تجاری بزرگ بخش نفت‌شان کوچک یا حذف شده است و عملاً با تجربه ای که طی این ۱۴-۱۵ سال اخیر کسب شده، به پالایشگرهایی که نفت خام را به صورت خاص تصفیه می‌کنند بیشتر دسترسی مستقیم پیدا کردیم و پالایشگرها هم دلشان می‌خواهد که مستقیم با تولیدکننده نفت‌خام در تماس باشند. پس اگر شما الان نسبت به ۱۲-۱۰ سال پیش تعداد کمتری از واسطه‌های نفتی را در مجموعه قراردادها می‌بینید. به این علت است که خود پالایشگرهایی هم که طرف ما بودند دیگر بخشی از اینها را مورد نیاز نمی‌بینند. برخی از پالایشگرها به علت مشکلات مالی که برای باز کردن اعتبار اسنادی دارند یا مهلت پرداخت سی روزه را مهلت کمی می‌بینند و مهلت بلندمدت‌تری را لازم دارند بعضی وقت‌ها از تجاری نفتی استفاده می‌کنند تا بتوانند این اعتبارات را به آن‌ها بدهند و فرصت بلندمدت‌تری را داشته باشند در عین حال چون به نفت ایران نیاز دارند می‌توانند از طریق واسطه قراردادن شرکت‌های تجاری نفتی که در لیست شرکت ملی نفت ایران قرار دارند، قرار داد را پیش ببرند. امید است پس از بررسی‌هایی که صورت می‌گیرد، وزارت نفت اعلام کند شرکت‌های تجاری نفتی ایران هم می‌توانند در این مجموعه وارد بشوند. شرایط شرکت‌های ایرانی که در

مبادلاتی خود نداشته است.

با توجه به این موارد ایران برای فروش نفت با چند شرکت در ارتباط است؟

شرکت‌های متعددی هستند. چه در بخش اروپا چه در بخش آسیا با تعداد زیادی از شرکت‌ها معاملات تجاری نفتی برای رساندن به مقصد پالایشگاه‌ها و یا با پالایشگرها برای مقصد خودشان قرارداد وجود دارد. البته بخش مربوط به آفریقا بر اساس مصوبه‌ای که بازم، مصوبه هیات مدیره شرکت ملی نفت است به شرکت «نیکو» سپرده شده است. این شرکت که تماماً متعلق به شرکت ملی نفت ایران است، بطور کلی نفت به آفریقا را انجام می‌دهند که خریدار اصلی ما در آفریقا کشور آفریقای جنوبی است.

شیوه فروش از ابتدای پیروزی انقلاب به این سبک بوده یا تغییر پیدا کرده است؟

بخشی از روند فروش نفت خام در رابطه با ثبت شرکت‌هاست که در پاسخ به سوال‌های قبلی به آن اشاره شد. ثبت شرکت‌ها تقریباً از چند سال پیش به شکل فعلی شروع شده است اگر چه قبل از این که این ضوابط به تصویب هیات مدیره شرکت ملی نفت برسد عملاً چیزی نزدیک به ۱۰-۱۵ سال گذشته هم آن‌ها اجرا و همین ضوابط در نظر گرفته می‌شد. یعنی تا شرکتی این مدارک را نمی‌فرستاد و احراز صلاحیت نمی‌شد نمی‌توانست طرف خرید باشد. ولی طی چند سال گذشته این مطلب چون به تصویب هیات مدیره نفت هم رسیده به صورت یک روش کاری درآمده که هر شرکتی به شرط داشتن این شرایط بعد از این که از لحاظ کارشناسی مورد تایید قرار گرفت نامش به

شناسایی شوند به این معنی که مشمول حضور کسانی که علیه منافع ایران اقداماتی کرده و شناخته شده‌اند و یا صهیونیست‌ها نباشند.

یعنی با توجه به این موضوع که اشاره کردید طرف خرید، باید پالایشگر باشد آیا در معاملات نفتی واسطه‌ها را کلاً حذف کرده‌اید؟

نخیر، اتفاقاً در بخش نفت، گروهی به اسم تجاری نفت وجود دارند که پالایشگر نیستند ولی در عین حال چون نفت را برای پالایش می‌خرند، اینها هم در مصوبه طرف قرارداد شناخته شدند. آن‌ها هم چنان‌چه دارای سوابق مثبت و قرارداد پالایشی باشند مورد قبول هستند لذا به دنبال این که فردی را که واسطه‌کار تجارت نفت است از این مجموعه حذف کنند نبوده‌ایم. در بخش نفت تجاری نفتی‌ای هستند که از نظر قدرت مالی کمتر از پالایشگاهی‌های نفتی نیستند و صحت عملکردشان هم کمتر از آن‌ها نیست.

پس شما حضور واسطه‌ها در خرید و فروش نفت و بزرین ایران را تکذیب می‌کنید؟

بر اساس نص صریح قانون، تمام معاملات حوزه بین‌الملل که مربوط به خرید و فروش است باید دوجانبه باشد. قانون در این زمینه به شرکت نفت اجازه نداده است تا به منظور تسریع در بازاریابی خرید و فروش از کمک‌های واسطه استفاده کند. از این رو تمامی معاملات امور بین‌الملل تاکنون بر اساس روابط دوجانبه خریدار و فروشنده صورت گرفته است. پیش‌فرض حضور واسطه‌ها در این ارتباط نه تنها در قانون تعریف نشده بلکه ایران هم هیچ‌گاه نیازی به حضور این دسته در نظام

مجله تخصصی انرژی و محیط زیست
پرتال جامع علوم انسانی



ایران ثبت شده‌اند و تمایل دارند در این زمینه کار بکنند باید چه باشد و نیز شرایطی که برای این شرکتها باید فراهم بشود نیاز به کار کارشناسی داشته که بخشی از آن انجام شده است.

یعنی طی این مدت اصلا شرکت‌های تجاری که در ایران ثبت شده باشند وارد این معاملات نفتی نشده‌اند؟

متأسفانه هیچ کدام از شرکت‌های ایرانی تا کنون دارای شرایطی که تعیین شده، نبوده‌اند.

کاهش تعداد شرکت‌های تجاری و واسطه‌های معاملات نفتی و در کنار این‌ها بحران روابط ایران و آمریکا آیا در مساله فروش و معامله نفتی ایران اختلال ایجاد کرده است؟

شرکت‌های تجاری نفتی به ویژه آن‌هایی که مورد تایید شرکت ملی نفت ایران بودند، طی ۱۰-۱۵ سال گذشته که با آنها کار شده هیچ کدام شرکت‌هایی نبودند که به دنبال ایجاد مشکل برای صادرات نفت باشند. اینها نه تنها مشکلی ایجاد نکردند بلکه در بعضی موارد امکاناتی فراهم کردند که صادرات ما را تسهیل کرد. مثلاً قبل از اینکه آمریکا رابطه خودش را به صورت مستقیم در اواسط سال ۱۹۹۵ قطع بکند، به آمریکا مستقیم نفت فروخته می‌شد. شرکت‌هایی وجود داشتند که نفت ما را به قصد پالایشگاه‌هایی در اروپا می‌بردند



که این پالایشگاه‌ها آمریکایی نبودند ولی این شرکت‌ها، شرکت‌های تجاری آمریکایی بودند و نفت را برای پالایشگاه خاصی می‌بردند و از فرآورده‌اش در نهایت استفاده می‌کردند. علاوه بر این حتی قبل از این که ما رابطه‌ای مستقیم با شرکت‌های آمریکایی برای مقاصد غیر کشور ایالات متحده داشته باشیم، شرکت‌های واسطه‌ای بودند که نفت خام ایران را برای پالایشگاه‌های آمریکایی در اروپا می‌بردند و اینها در آن مدتی که رابطه مستقیم بین ما و شرکت‌های پالایش آمریکایی نبود به صورت شرکت‌های فعال تجاری کار می‌کردند، مشکلی ایجاد نکردند و در امر صادرات تسهیل هم ایجاد می‌شد و بعد از این که با پالایشگرهای آمریکایی به این نتیجه رسیده شد که برای مقصد غیر از ایالات متحده مستقیم کار شود، این شرکت‌های تجاری ما کنار رفتند ولی حتی بعد از این هم مشکلی برای ما ایجاد نکردند.

نتیجه گفت و گوی ایران با پالایشگران آمریکایی چه بود؟

زمان مربوط به روابط تجاری ایران با پالایشگران آمریکایی به دوران بسیار بلندی بر می‌گردد ما چندین بار توسط آمریکا تحریم شدیم یکی از زمان‌هایی که تحریم شدیم زمان ریاست جمهوری ریگان بود. تحریم ایالات متحده به دنبال تحریم قبلی ادامه پیدا کرد ولی این تحریم مشمول عدم خرید پالایشگرهای نفتی آمریکایی در خارج از آمریکا نمی‌شد ولی در سال ۱۹۹۵ میلادی، با قطع رابطه کامل تجاری توسط کلینتون دیگر خرید نفت ایران به مقصدی حتی غیر از ایالات متحده آمریکا برای پالایشگران آمریکایی ممنوع شد. به این نکته باید اشاره کرد که تجاری نفتی که بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت قرار می‌گرفتند، چنانچه با ضوابطی که مشخص شده بود نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کرد بلکه تسهیلات معاملاتی ایجاد می‌کردند و حتی در برخی از موارد که ایران با مشکلات مالی روبرو می‌شد برخی از این شرکت‌های تجاری نفتی حاضر بودند پولی را پیش بدهند و بعداً نفت را به قیمت روز برداشت در آینده ببرند.

آیا این طور پیش آمده که شرکت‌های آمریکایی دوباره خواستار خرید نفت ایران بشوند؟

شرکت‌های نفتی یا پالایش آمریکایی به علت همان دستورالعمل رئیس جمهوری سابق آمریکا «کلینتون» ممنوع از خرید نفت خام از ما هستند و عملاً هم ما به آنها فروشی نداریم.

حتی با واسطه هم نمی‌خرند؟

حتی با واسطه هم نمی‌خرند و ما هم هیچ اصراری نداریم به زور به کشوری که ممنوعیت ورود نفت خام ما را دارد، نفتی را صادر کنیم. ضمن این که باید بگویم رابطه ما با شرکت‌های آمریکایی رابطه حرفه‌ای برای تبادل اطلاعات مربوط به بازار نفت است یعنی در هر سمینار و جلسه‌ای که ملاقاتی صورت می‌گیرد مبادله اطلاعات مربوط به بازار نفت، آینده نفت و تحمیل‌های نفت است ولی انعقاد قراردادی در کار نیست. عملاً تا حالا در این مورد درخواستی از سمت آنها نبوده است چرا که هیچ‌کدام از این شرکت‌ها که در سطح معاملاتی

با ایران مورد تایید بودند، دنبال فرار از قوانین و ضوابطی نیستند که برای آن‌ها وضع شده است و شرکت ملی نفت ایران هم حاضر نیست با هر شرایطی و به هر شکلی به آنها نفت بفروشد.

قطع روابط در زمینه خرید نفت از ایران برای ما چه مشکلاتی پیش آورد؟

در سال ۱۳۷۴ بر اساس اطلاعات و آماری که در همان زمان هم در مطبوعات چاپ شد، برای هر دوره سه ماهه با مشکلاتی روبرو شدیم ولی همان سال هم علت بالا بودن قیمت نفت نسبت به پیش‌بینی بودجه، در پایان سال ۱۳۷۴ توانستیم آن مقدار از صادرات خودمان را که به شرکت‌های پالایشگر آمریکایی داشتیم به شرکت‌های دیگر بدهیم و نهایتاً در پایان آن سال توانستیم بیشتر از آن چیزی که باید در سال ۷۴ ایجاد درآمد می‌کردیم، به خزانه واریز کنیم. ضمن این که دیگر تحریم آن سه ماه مشکلی ایجاد نکرده بود، رقم ریخته شده اضافی به خزانه بیشتر می‌شد ولی عملاً این شد که باز هم علیرغم این مشکل بعد از سه ماه توانستیم مشکل را حل کنیم و بیشتر از رقم پیش‌بینی شده در بودجه به خزانه ریخته شد.

الان وضع ما چگونه است؟ آیا فرمول قیمت ما عوض شده است؟

وضع ما خوشبختانه این طور است که اکثریت قراردادهایی که بر اساس قرارداد بلندمدت است به شرق آسیا یعنی از پاکستان تا ژاپن صادر می‌شود. چیزی قریب به ۷ تا ۸ درصد به قاره آفریقا صادر می‌شود و نزدیک به ۳۲ درصد به اروپا. ما به قاره آمریکا یعنی کشورهایی چون کانادا، برزیل و اروگوئه قبلاً نفت صادر می‌کردیم ولی بعد از کم شدن سهمیه‌های تولید برای اعضای اوپک طی چند سال گذشته به آن بازارها نفت صادر نشده است و عملاً با توجه به افزایش تقاضایی هم که در حال حاضر بعد از این سال‌ها پیش آمده، در بازگشت به میزان تولیدی که اوپک میزانش را اضافه کرده و بعد از کسر مقدار پالایش داخلی، هنوز هم به بازار قاره آمریکا نفتی صادر نمی‌شود.

اگر خواسته باشیم در شیوه فروش نفتمان تغییری بدهیم شما بهترین شیوه را چه شیوه‌ای می‌دانید؟

ابتدا یک قسمت از سوالات قبل شما را که بی‌پاسخ ماند جواب می‌دهم این سوال که آیا فرمول قیمتی ما عوض شده یا نه؟ نوع نفت فروختن ما طی تمام سال‌های بعد از انقلاب رو به تکامل بوده و تمام کسانی که در این بخش بودند چه آن‌هایی که از بخش رفتند و به مسئولیت‌های دیگری گمارده شدند و چه آنها که در همین بخش ادامه فعالیت دارند، در متحول شدن این تصمیمات و رسیدن به آن چیزی که امروز هست و باید تکامل یابد، سهیم بودند. ما در حال حاضر فرمول قیمت‌های نفتی ایران را برای هر ماه میلادی حدوداً تا دهم ماه میلادی قبل اعلام می‌کنیم. برای بازار آسیا یک فرمول قیمت داریم ولی بازار اروپا را تقسیم کردیم به بازار شمال غرب اروپا - بازار مدیترانه و در بازار مدیترانه دو نوع فرمول قیمت را اعلام می‌کنیم یکی مشتریانی که از خارک آن به مقصد پالایشگاه‌های مدیترانه می‌برند یکی پالایشگرهایی که



داشتن تجارت الکترونیکی نه تنها تمام مکاتبات را حذف می‌کند بلکه تسریع و ارتقای کیفی به انجام کارها می‌دهد. این مطلب فقط به شرکت ملی نفت ایران بر نمی‌گردد که این علاقه‌مندی را داشته باشد بلکه برخی از ضوابط و امکاناتی که در داخل وجود دارد اجازه این کار را به طور کامل و کافی به ما نمی‌دهد. بعضی از مدارکی که باید نگهداری شود و بعضی موارد مانند امکانات مخابراتی که در اختیار ما هست این اجازه را به ما نمی‌دهد که بتوانیم براحتی همه امکاناتی که برای معاملات اینترنتی در دنیا وجود دارد، را به کار گیریم. اگر این مشکلات رفع شود، مرحله بعدی کار می‌تواند یکی از مراحل پر موفقیت باشد.

آیا شیوه فروش ما با شیوه فروش نفت عربستان خیلی فرق دارد؟

تا آنجایی که از فروش نفت خام آنها اطلاع وجود دارد، آنها هم مثل ایران اعلام قیمت ماهیانه می‌کنند. آن‌ها هم شرایطی برای قبول کردن مشتریان خود دارند که اگر در بعضی موارد، آسانتر از ما نباشد، مشکل‌تر از ما نیست. تعداد زیادی مشتری داریم که هم مشتری ما هستند و هم مشتری عربستان و این مشتریان شرکت ملی نفت ایران را از لحاظ کیفیت شیوه فروش کمتر از آنها نمی‌دانند.

اخیرا خبری منتشر شده بود مبنی بر این که ایران تولید نفت خام خود را مطابق تصمیمات اوپک کاهش نداده و اضافه تولید را در نفتکش‌های خارجی که در اجاره خود در آورده، ذخیره می‌کند؟

نفت مازاد بر سهمیه تولید نمی‌کنیم که بخواهیم آن را ذخیره‌سازی کنیم. از نظر تولید نفت خام، آمارهای ماهانه ایران به دبیرخانه اوپک و آمار موسسات مستقل طرف بین‌الملل حکایت از آن دارد که از ماه نوامبر سال ۲۰۰۶ که نخستین کاهش روزانه ۱/۲ میلیون بشکه‌ای تولید نفت خام توسط اوپک به اجرا گذاشته شد، در اجرای این تصمیم فعالانه شرکت کرده‌ایم.

کاهش تولیدات نفت خام از مناطق مختلفی انجام می‌شود که لزوماً از حوزه‌های فلات قاره در تمام ماه‌ها نیست و به همین علت افراد آگاه در بازار نفت ادعان دارند که امکانات مخزن شناور حوزه‌های سروش و نوروز در خلیج فارس نیز جواجوی میزان تولید این دو حوزه نیست تا بخواهد اضافه تولید نفت خام را هم ذخیره کند.

کشتی‌هایی که حتی با چشم غیرمسلح در آب‌های ایران قابل رویت هستند که چه میزان از ظرفیت آنها از نفت پر شده است، فقط برای تولید از این دو میدان در نظر گرفته شده که باید برای کمبود مخزن شناور، خارج از آن میدان نگهداری شود.

در این راستا حتی کشتی‌هایی که یک ماه پیش به صورت مقطعی و برای نگهداری مقادیری کم نفت به منظور ایجاد تسهیلات برای تعمیر برخی از مخازن روی زمین در ترمینال خارگ اجاره شده بود، با پایان یافتن تعمیرات جزئی و بازگشت ظرفیت مخازن روی زمین به میزان قبل، استفاده از آن‌ها به عنوان مخازن پایان یافت.

نشریه‌های بین‌المللی رقم اصطلاحاً متورم شده‌ای است و بیان‌کننده واقعی ارزش این نفت خام نیست لذا در آسیا برای مدت‌های مدیدی همگی به دنبال نفت شاخص جایگزین بودند که جایگزین را برای این داشته باشند.

ایران می‌تواند جایگزین شود؟

شرکت ملی نفت ایران در ارتباط با این مطلب به یکی از طرف‌های اصلی خودش در آسیا پیشنهاداتی داد و گفته شد اگر بازار آمادگی داشته باشد ایران آماده است یکی از نفت‌های خودش را به عنوان این ملاک در تعیین قیمت‌ها اعلام بکند.

البته در این سیستم بین‌المللی نفتی دقیق‌تر و بهتر این طور خواهد بود که اگر این جایگزینی می‌خواهد انجام بشود فقط یک قیمت نفت خام نباشد که شبهه‌ای پیش بیاید که توسط یک تولیدکننده در آن دستکاری می‌شود در آن صورت پیشنهاد شد حداقل یکی از تولیدکنندگان دیگر هم یکی از نفت‌های خود را در این مجموعه بیاورد تا ترکیبی از دو نفت ایران و آن تولیدکننده پایه قیمتی باشد، به جای دبی که به خاطر کاهش تولیدکنندگان مشکل ایجاد می‌کند و این کار می‌تواند ثبات قیمتی را در بازار پیش بیاورد.

ایران و عربستان مشتریان مشترکی

دارند که اینان شرکت ملی نفت ایران را

از لحاظ کیفیت شیوه فروش کمتر از

عربستان نمی‌دانند

این ایده چرا قبول نشد؟

بعد از مدتی یکی از نشریاتی که اعلام قیمت می‌کند سعی کرد که قیمت نفت عمان را نسبت به قبل از خودش طوری اعلام بکند که چنانچه مثلاً در دبی معاملاتی صورت گرفت و کمی کسری بود، برای این که بتواند انجام بشود بتواند به عمان رجوع بدهند و این ترکیب جایگزینی عمان برای دبی باعث شد که مقداری از آن مشکل تورم شدن قیمت دبی را منتفی بکند و حداقل این مشکل برای مدتی به تاخیر بیفتد.

آقای دکتر سوال من این است که اگر شما با توجه به تجربه چندین ساله‌ای که در بخش فروش نفت دارید شیوه فروشی که خواسته باشیم مدرن‌تر باشد و به هر حال «به روز» باشد را برای کشور ما تبیین بکنید آن شیوه چه می‌تواند باشد؟

بخشی از شیوه‌ها به ابزار بر می‌گردد. در ابزار اگر بتوانیم در آینده نزدیکی وارد بازارهای بورس نفت و وارد معاملات آنگونه‌ای که در این بازارها هست، بشویم، باید مراحل بعدی مربوط به تجارت تبدیل تجارت از تجارت «بر روی کاغذ» به تجارت «بدون کاغذ» یا «الکترونیکی» را طی کنیم.

نفت خامی را که ما از دهانه کانال سوئز از طریق خط لوله‌ای که در مصر هست به بندر سیدی کریر می‌رسانیم و اصطلاحاً در آنجا آماده صادرات می‌کنیم می‌برند لذا دو قیمت اعلام می‌کنیم یکی قیمتی که از خاک برداشت می‌شود دیگری قیمتی که از دهانه کانال سوئز برای مقصد مدیترانه و یک قیمتی که از مبدا خارک برای شمال غرب اروپا است. قیمت مربوط به آفریقا را هم به همین ترتیب با عنوان قیمت بعدی باید در منطقه غرب اعلام بکنیم. در حال حاضر برای تمام قراردادهای بلند مدت، قیمتی که به آسیا می‌رود بر اساس قیمت میانگین ماهیانه نفت خام عمان و دبی است و با توجه به اینکه کدام نفت خام مورد نظر است، صحبت می‌کنیم تعدادی به این میانگین اضافه یا کم می‌شود. یکی از عواملی که ما به آن توجه خاص می‌کنیم رفتار رقبای ما در این بازار است که به بازار شرق مقدار زیادی نفت صادر می‌کند. در بازار غرب هم که ما داریم صادر می‌کنیم، مبنای قیمتی مان اصطلاحاً قیمت برنت است ولی برنتی که اصطلاحاً به آن قیمت میانگین، وزنی ماهیانه IPE می‌گویند. باز هم موقعی که فرمول برای مقصد غرب اعلام می‌شود، یکی از توجهات خاص که باید داشته باشیم این است که رقبای ما در بازار غرب چگونه رفتار می‌کنند و رقبای اصلی در بازار شمال غرب اروپا و در بازار مدیترانه علاوه بر برخی تولیدکنندگان خلیج فارس، تولیدکنندگان نفت در دریای شمال و روسیه هم هستند. در بازار آفریقا رابطه قیمتی، بسیار نزدیک به شمال غرب اروپا است. مثل همان رابطه قیمتی در شمال غرب اروپاست. با یک مقدار افزایش به علت این که نسبت به مقصد از نقطه نظر مبدا خارک نزدیکتر هستند. در شمال غرب اروپا در بعضی از موارد مقاصد ۴۵ روزه داریم تا نفت از خارک به آن برسد. در صورتی که در رابطه با آفریقای جنوبی چیزی نزدیک به بیشتر از ۱۵ روز را نیاز نداریم. با توجه به این نکات باید گفت از نقطه نظر فرمول قیمت فرمول ماهیانه اعلام می‌شود. زمان‌هایی که قرار باشد مقادیری به صورت تک محموله فروخته بشود مشمول مصوبه دیگری از هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران است که باید شرایط تک‌تک موارد در قیمت مورد توجه قرار بگیرد و لذا در موارد تک محموله که موارد بسیار کمی نسبت به کل قرار داده است پایه‌های قیمتی به جز مواردی که در بالا گفته شد می‌تواند سببی از ترکیب آن‌ها و دیگر نفت‌های شاخص در بازار باشد.

شما فرمودید به صورت ماهانه اعلام می‌شود. مثلاً در نفت خام شاخص فرمول قیمتی آسیا آیا می‌تواند تغییر بکند؟

فعلاً نخیر. اتفاقاً نکته‌ای در مورد آسیا وجود دارد و آن این است که عده‌ای از پالایشگرها و عده‌ای متخصصین نفتی معتقد هستند قیمت خام نفت دبی که یکی از شاخص‌های فرمول قیمت آسیاست، غیرواقعی و بیشتر از ارزش واقعی است که دارد. شاخص قراردادن این نفت خام مربوط به چندین سال قبل است که به چیزی نزدیک به ۴۰۰ هزار بشکه در روز از آن تولید می‌شد ولی الان این رقم ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار بشکه بیشتر نیست. عده‌ای معتقد هستند رقم قیمتی اعلامی دبی در